

## خلاصه کارگاه آموزشی

و آنچه خود داشت ...

عنوان کارگاه: سالها سازمان طلب PMIS از ما می کرد

## خلاصه موضوع:

این روزها شاهد اپیدمی تب نفس بر PMIS در پی کنترل تب خانمان برانداز ERP در سازمانهای پروژه محور هستیم. مدیریت این سازمانها بدنبال نوش دارویی برای تسهیل روالها و کسب موفقیت بیشتر و رونق کسب و کار خود هستند و به مثابه ضرب المثل غریق، به امید نجات به هر سرایی متوسل میشوند. تصاویر رویایی از سازمانهای پیشرو، که در آن مدیران و کارشناسان در محیطی پویا، به سادگی به کلیه اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی داشته و با استفاده از نرم افزارهای یکپارچه امور جاری خود را اجرا نموده و از دستاوردهای اطلاعاتی یکدیگر به موقع مطلع میشوند هر بیننده سطحی نگری را به سوی اتباع ودر اختیار گرفتن نرم افزارهای مشابه به عنوان راه حل سوق میدهد. غافل از عرصه های انسانی و فرایندی موثر بر این ساختار.

PMIS بر اساس تعریف ارائه شده در PMBOK عبارت است از سامانه های اطلاعاتی متشکل از ابزارها و تکنیکهایی که وظیفه جمع آوری، یکپارچه سازی، معتبر سازی، به روز نگهداری، پالایش، نگهداری، انتشار و توزیع خروجی های فرآیندهای مدیریت پروژه را برعهده دارد. این سامانه برای پشتیبانی از تمامی وجوه یک پروژه از آغازین تا پایانی به کارگرفته شده و شامل هر دو ساختار دستی و مکانیزه می باشد. در یک سازمان پروژه محور آیا میتوان فرایند، ابزار، روش یا تکنیکی را یافت که مشمول این تعریف نباشد؟

سازمانهای پروژه محور به اقتضای نوع کسب و کار خود از سامانه های اطلاعاتی (دستی یا مکانیزه) متعدد و متفاوتی، برای تسهیل و پیشبرد امور جاری خود بهره می جویند. این سامانه ها، فرایندها و رویه ها، بنا به اقتضا و متناسب نیاز واحدهای مختلف عملیاتی و ستادی به تدریج و در طول زمان طراحی، جایگزین و مورد بهره برداری قرار گرفته اند. از آنجایی که این سامانه ها هر یک بر اساس تحلیل انتظارات و متناسب سازمان توسعه یافته اند از نظر رویکرد مناسبترین راه کار عملی برای آن سازمان می باشند. البته همواره فرصت بهبود برای چنین سامانه هایی مهیاست. بزرگترین اشکالی که کارایی این سامانه ها را پائین می آورد، امکان تبادل اطلاعات مابین آنهاست. بی شک مجموعه این سامانه های اطلاعاتی در صورتی که قابلیت یکپارچه سازی و تبادل اطلاعات با یکدیگر را داشته باشند PMIS بومی و متناسب آن سازمان را شکل خواهند داد. این همان جام جمی است که سالهاست مدیران در طلبش هستند. اما از منظر ساختاری، تفاوت انتظارات و تعاریف از این سامانه ها و فرایندها، ساختارها و نظامهای متفاوتی را در خصوص پردازش، دسته بندی، انتقال، بایگانی و انتشار اطلاعات ایجاد مینماید. این تفاوت ساختاری که بعضا به عدد ریز کارکردهای یک سازمان ممکن است برسد امکان تبادل، پردازش، سازماندهی و مدیریت یکپارچه اطلاعات را بسیار دشوار میسازد. حتی در بسیاری از موارد پیچیدگی و تعدد این زیر کارکردها موجب فراموشی و نادیده گرفتن برخی روالها برای زیر کارکردها می شود. که این خود منجر به تنوع بیش از پیش روالهای جایگزین شده متناسب سلیقه مجریان خواهد شد. در چنین شرایطی ایجاد جریان سیال اطلاعاتی مابین سامانه ها و روالهای تعاملی و ایجاد ساختارهای پشتیبان تصمیم سازی امری محال به نظر میرسد.

هدف این کارگاه تاکید بر آنست که جام در اختیار است به شرطی که توسعه سامانه ها در سازمانها تابع یک نگاه کل نگر و نقشه راهی معین و روشن و متناسب با اهداف راهبردی باشد تا به واسطه آن بتوان منابع ذیقیمت سازمان صرف توسعه موثرترین زیرسامانه های در جهت اهداف راهبردی سازمان شود. این کارگاه تمرینی خواهد بود برای تهیه این نقشه راه با استفاده از یک متدولوژی عملی و تجربه شده برگرفته از مدل تعالی پنج سطحی کرزنر، برترین دروس آموخته APQC و SAP Solution Composer و نیز متدولوژی مهندسی سامانه های اطلاعاتی جیمز مارتین (ماتریس CRUD).

نوشاد احمدی

ارائه کننده: